

بسم الله الرحمن الرحيم

یادبود صدومین سال سقوط خلافت؛ چه فکر می‌کنید، مسلمانان با نابودی خلافت چه چیزی را از دست دادند؟

(ترجمه)

مسلمانان با نابودی دولت شان بسیاری از امتیازاتی را که الله -سبحانه و تعالی- به دلیل تمسک ورزیدن شان به قرآن برای شان بخشیده بود، از دست دادند:

1- وحدت و یکپارچگی شان را از دست دادند؛ پس از این که مسلمانان یک امت واحد بودند، عقیده پاک اسلامی آنان را گرد هم جمع می‌کرد، و پس از این که همانند یک جسم بودند که هرگاه یک عضو شکایت می‌کرد سائر اعضای جسم درد آن را احساس می‌کردند او برای درمان آن می‌شتافتند؛ در پراکندگی وحشتناک، جدائی ناهنجار، تقابل و دشمنی قرار گرفتند، گاهی نژاد گرائی مسلمانان را پراکنده و تار مار می‌سازد: این عربی است و این کردی و این فارسی، و گاهی دیگر وطن گرائی مصری، سوریه‌ای، سعودی، یمنی ... و غیره، نژادگرائی جای اخوت اسلامی را و خاک/وطن گرائی جای عقیده را گرفته است، پیش از این میان آنان نه نژاد جدائی می‌افکند و نه رنگ و نه مکان، و میان شان تفاوت نبود مگر به تقوی؛ همان طوری که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَنَا فَضْلٌ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ وَعَلَى عَرَبِيٍّ عَلَيَّ وَلَا لِحُمْرٍ عَلَيَّ أَسْوَدٌ وَلَا أَسْوَدَ عَلَيَّ أَحْمَرٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى». ترجمه: ای مردم! آگاه باشید؛ رب و پروردگارتان یکی است، پدرتان یکی است، نه عربی بر عجمی برتری دارد و نه عجمی بر عربی، نه سرخ بر سیاه برتری دارد و نه سیاه بر سرخ، مگر به تقوی.

2- دولت شان را از دست دادند که بیانگر عقیده شان بود؛ مسلمانان دولتی از جنس عقیده شان داشتند، در میان شان با شریعت پروردگار شان حکم می‌کرد، حمله دشمن شان را دفع می‌کرد، امور شان را رعایت و تنظیم می‌کرد، اسلام را به دیگران و به ملت‌های دیگر حمل می‌کرد؛ اما امروز تحت حاکمیت دولت‌های کوچک ملی، وطن گرائی کفری بسته بندی شده و نظام‌های وارد شده‌ای که بیان گر عقیده شان نیست، قرار گرفتند، همچنان قانون اساسی شان ساخته کفار استعمارگر است و فاقد حاکمیت هستند، بلکه کشورهای هستند که زیر سلطه کشور های دیگر قرار دارند و حکام آن کارتونهای وابسته به کشورهای کفری استعمارگرند.

و در شرق و غرب در جستجوی نظام‌های سیاسی هستیم؛ گویا به آوارگانی مبدل گردیده ایم که همین امروز بدون دین به دنیا آمده‌ایم و دارای دولتی نیستیم که بر سر تخت جهان بیشتر از هزار سال چهار زانو زده باشد!

3- بسیاری از سرزمین‌های اسلامی را از دست دادند و ندر رأس شان فلسطین به دستان کفار افتید؛ با فروپاشی خلافت حامی و پشتیبان مسلمانان، بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به دستان کفار سقوط کرد و قدرت آن را کفار گرفتند، فلسطین اولین دو قبله و محل اسراء نبی الامین، سقوط کرد و در دستان یهود غاصب، برادران میمون و خنزیرها افتید، و در آن جا برای خود آشکارا کیان/قدرت برپا نمودند، و به زور دولت‌های کافر استعمارگر آن کیان را تقویت می‌بخشد و حکام غلامان حلقه به گوش از آن حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

همچنان کشمیر، شیشان، بوسنی و هرزگوین، افغانستان و عراق و... سائر سرزمین‌های اسلامی اشغال شد، هر روز، کفار یک سرزمین مان را اشغال می‌کنند؛ بیداری خود را با فاجعه‌ای که قلب‌های مان را جریحه دار می‌سازد سپری می‌کنیم و خواب خود را با فاجعه‌ای دیگری.

4- ثروت و دارائی‌های شان را از دست دادند؛ امت اسلام که الله برای شان نعمت‌های فراوانی بخشیده است و بر ثروت‌های بی‌شمار افتیده‌اند؛ از فقر و محرومیت رنج می‌برند، در حالی که ثروت و دارائی شان در دستان کفار استعمارگر قرار گرفته است که از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری شان و قراردادهای ساختگی شان آن ثروت‌ها را غارت می‌کنند و یا حکام مزدور در مقابل معاملات خیالی و حفظ کرسی لرزان شان، برایشان هدیه می‌دهند و یا بدون عوض؛ در حالی که مردم/رعیت ثروت و دارائی را به چشم نمی‌بینند جز خرده و اندکی از آن ثروت را.

5- خون و کرامت شان را از دست دادند؛ همه روزه و در بسیاری از مناطق اسلامی خون مسلمانان به دستان کفار استعمارگر بدون جنایتی که مرتکب شوند و یا جرمی که انجام دهند، می‌ریزد؛ چقدر کشتارها، آواره‌سازی و شکنجه برادران خود را در میانمار، شیشان، کشمیر، فلسطین، بوسنی، هرزگوین، سرزمین شام، عراق، افغانستان و سائر سرزمین‌های اسلام، شنیدیم و دیدیم؟! مسلمانان از این کشتارها در کشورهای غربی نیز جان به سلامت نبردند؛ قتل عام نیوزیلند گواهی است بر کینه صلیبی‌ها، تعجب آور هم نیست، حالا ما همانند یتیمان بر سر سفره فروماگان هستیم.

6- دین و عقیده شان را از دست دادند؛ پس از فروپاشی خلافت، اسلام در سرزمین اسلام مورد جنگ قرار گرفت، از حکم و حکومت داری دور است، در کنج مسجد و در اخلاق و اعمال فردی قید است، و دست اندازی به غیر از این را برایش اجازه نمی‌دهند، هر روز مزدوران کفار از جمله حکام و رهروان و پشتیبانان ثقافت غرب با تمام سعی و تلاش برای مبارزه علیه دین، علماء، حاملین دعوت و به بند کشیدن شان در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و همچنان برای تثبیت سیکولاریزم و تمام عناصر آن کار می‌کنند؛ همان طوری که اکنون در سعودی و سائر سرزمین‌ها جریان دارد، ارزش‌ها و مفاهیم غرب مانند دموکراسی، دولت مدنی ترویج می‌گردد برای این که بدیل و جایگزین اسلام، دولت و مفاهیم آن باشد. اما در کشورهای کفری؛ همه روزه دشمنان اسلام جنگ شان را علیه اسلام، پیامبر و کتب اسلام، تشدید می‌بخشند؛ چقدر توهین‌های تکراری و تمسخر عمدی به حق پیامبر صلی الله علیه وسلم را شنیدیم و چقدر صحنه‌های را مشاهده نمودیم که کفار نسخه‌های قرآن کریم را سوختاندند؟! چقدر هجوم‌ها علیه اسلام، متهم نمودن آن به تروریزم، ایجاد پیمان‌ها به منظور مبارزه با آن، بستن بسیاری از مساجد و مراکز اسلامی در کشورهای غربی، تحمیل ارزش‌های سیکولاریستی بر مسلمانان، تلاش‌های مداوم جهت ادغام مسلمانان در جوامع کفری و مجبور نمودن شان به زندگی طبق قوانین کفری، همان طوری که فرانسه به تازگی چنین می‌کند و چنانچه در چین به حق مسلمانان اویغور چنین می‌کند، و سائر دولت‌های کفری که به جنگ‌های ویرانگر علیه اسلام و مسلمانان می‌پردازند، را دیدیم و شنیدیم؟!!

خاتمه- به عنوان مسلمان باید از خود بیرسیم اگر دولت و خلیفه‌ای می‌داشتیم که امور مان را رعایت می‌کرد، مانع دشمن مان می‌شد و سرزمین‌های اسلام را در برابر هر حریص حمایت و پشتیبانی می‌کرد، آیا از این ظلم، قتل و هجوم دشمنان رنج می‌بردیم؟!!

آیا بر ضد ما جرأت می‌کرد، یا فقط فکر هجوم علیه مسلمان را می‌کرد در حالی که او می‌دانست، که هزینه هجوم به یک مسلمان هزینه جنگ با تمام مسلمانان است؟!!

ای مسلمانان! بر همه شما واجب است که برای حاکمیت دین خود، نصرت و یاری به برادران ناتوان خود و یاری به پیامبر خود - صلی الله علیه وسلم - تلاش به خرج دهید؛ برای این کار همراه حزب التحریر برای برپایی دولت خلافت، دولت اسلام، دولتی که دین را تطبیق می کند و دین را به عنوان رسالت خیر و هدایت برای جهانیان حمل می کند، و مزده سید مخلوقات، کار کنید و در این کار عزت مندی دنا و آخرت نهفته است. زمان آن -حاکمیت دین- فرا رسیده و نزدیک شده است پس از این که سرمایه داری در مرکز خود فروپاشید، پس از این که بوی بد آن همه جا را فرا گرفت و پس از افول ستاره پادشاهان جبری/ظالم، به اذن الله تعالی وقت آن به پایان رسیده است.

الله سبحانه و تعالی فرموده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا).
[النور:55]

ترجمه: الله [سبحانه و تعالی] به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

#أقيموا_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت_کو_قائم_کرو

نویسنده: محمد طرموش - ولایه یمن برای رادیوی دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: حمزه "پارسا"